

ارزیابی و سنجش شاخص‌های مسکن اسلامی - ایرانی در محلات قدیم و جدید شهر ارومیه

اصغر عابدینی^۱

آرام خضزلو^۲

بهرنگ اکرمی^۳

امین خلیلی^۴

پرویز عزیزی^۵

چکیده

یکی از دغدغه‌های بشر از نخستین روزهای خلقت تاکنون موضوع مسکن و سرپناه بوده است؛ موضوعی که اندیشمندان غربی و غیراسلامی نگاهی ظاهری و ساکن به آن دارند. دین مبین اسلام شاخصه‌های اساسی مسکن را به منظور هویت دهی و کمک به آرامش قلبی انسان و رسیدن او به کمال الهی ارائه می‌نماید. مسکن ایرانی - اسلامی نیز به سبب تفکر عمیق مبتنی بر حقیقت والای انسانی و به دلیل تغییر در نگرش و سبک زندگی افراد در بعد فرهنگی و سنت‌های مسکونی قومی و محلی کشورمان امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و اهمیت اصلاح روش مسکن سازی با استفاده از مفاهیم قرآن و سنت اهل بیت (ع) را الزامی نموده است لذا ارزیابی و سنجش شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی به جهت آسیب شناسی و اصلاح روش مسکن سازی امروزی ضروری می‌نماید.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و ارزیابی شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی در محلات شهر ارومیه انجام گرفته است. در این پژوهش ابتدا شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی از آیات و احادیث و منابع مرتبط استحصال و دسته بندی گردیده است که از نظرات کارشناسان حوزوی و دانشگاهی نیز بهره‌گیری شده است. سپس برای ارزیابی و تحلیل از دو رویکرد سنجش و تحلیل محلات بر اساس شاخص‌ها و سنجش و تحلیل شاخص‌ها در محلات با به کارگیری مدل‌های ارزیابی چند معیاره فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و تاپسیس (TOPSIS) استفاده شده است. در وهله بعدی با تحلیل نتایج دو رویکرد به آسیب‌شناسی شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی در محلات قدیم و جدید اقدام گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که محله بهداری نسبت به محله مهدی‌القدم از نظر شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی در وضعیت مطلوب‌تری می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج تحلیل شاخص‌ها در محلات، شاخص مقاومت و ایمنی در وضعیت نسبتاً مطلوب، و شاخص‌های دسترسی مسکن، اشرافیت و فضای سبز در محله در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. در نهایت برای رفع ضعف‌ها، به ارائه راهکارها و پیشنهادات پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مسکن ایرانی - اسلامی، AHP، Topsis، شهر ارومیه، محله بهداری، محله مهدی‌القدم.

^۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه ارومیه. (نویسنده مسئول)

Email : as.abedini@urmia.ac.ir - Tel: 09141873260

^۲. مربی گروه معماری دانشگاه ارومیه.

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه ارومیه.

^۴. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه کردستان.

^۵. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه ارومیه.

مقدمه

شهرنشینی بازتابی از فعالیت های انسانی و ملموس ترین پدیده ای است که الگوهای سکونتگاه های انسانی را در سطح جهان متوحد ساخته است (ادهممی خامنه و همکاران، ۱۴۰۰: ۳). سکونتگاه های شهری نه تنها کانون تولید و توزیع و مصرف کالاها و خدمات محسوب می شوند، بلکه مراکز اصلی شکل گیری روندهای اقتصادی- اجتماعی در تمدن های شهری محسوب می شوند (حیدری چپانه و رضاطبع، ۱۳۸۹: ۶۰). مسکن به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای اولیه زندگی انسان در ابتدا تنها به عنوان سرپناهی برای حفظ انسان از گرما و سرما بود، اما به تدریج با شکل گیری فرهنگ ها و عقاید مختلف، منعکس کننده جهان بینی ملت های مختلف گردید (الهی زاده و سیروس، ۱۳۹۳: ۳۶). در طول تاریخ خانه همیشه پیوندی ناگسستنی بین خانه و خانواده وجود داشته و خانه وسیله ای برای تأمین امنیت و مکانی برای آرامش بوده است (Farajollahi Rod and Ardiani, 2019: 36). مسکن مهم ترین دارایی مولدی است که باعث اعتبار زندگی می شود و اهمیت بسزایی در زندگی جوامع شهری دارد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۲ و جعفری و شری زاده، ۱۳۹۸: ۶۸). با ظهور انقلاب صنعتی و افزایش جمعیت شهرها، کمبود و بحران کیفی و کمی مسکن در جوامع شهری آغاز شد که این بحران در دهه های اخیر متوجه شهرهای ایران نیز گردیده است (اصغری زمانی و مصطفایی، ۱۳۹۷: ۳، تیموری و اصغری زمانی، ۱۳۹۴: ۱۶۴). علاوه بر افزایش جمعیت شهرها عوامل دیگری نیز به بحران مسکن دامن می زنند که مهم ترین آن ها عبارتند از: تقاضا برای ارتقای کیفی مسکن، دگرگونی در شیوه های ساخت ابنیه، قیمت بالای زمین شهرها، رشد خانوارهای تک نفره، ارتقای رفاه و افزایش توقعات جامعه، تغییر شیوه زیست و فناوری، فرسودگی تدریجی بافت های شهری و به طور خلاصه تمرکز بر جنبه های مادی حیات. نکته ای بارز در برخورد با مسأله مسکن این است که غالب معیارهایی که برای ارزیابی مسکن و طرح های موجود و همچنین تأمین کمبودها و تدوین برنامه ها مورد استفاده قرار می گیرند، معیارهایی کمی هستند که محدود به معیارهای اقتصادی (یا به عبارت بهتر سوداگرانه) می باشند، و معیارهای کیفی و عمدتاً معیارهای فرهنگی، که به ماهیت اصلی سکونت (سکونت یعنی به آرامش قلبی رسیدن) می پردازند، معیارهای مهجور هستند.

علی رغم مشکلات ذکر شده، مسکن را می توان اصلی ترین عامل و هدف شکل دهنده کالبد و ساختار شهر نیز معرفی کرد، چراکه اولاً آنچه از شهرها صراحتاً در اختیار و تملک شهروندان است، خانه ها و مسکن مردمان است؛ دوم، خانه، فضای تولد و رشد و بلوغ و زندگی فرد در حالت فردی یا در میان خانواده است؛ سوم، خانه محل استقرار فعالیت و رشد کوچک ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده است؛ چهارم، مسکن یکی از اصلی ترین و ابتدایی ترین عوامل هویتی فرد و جامعه و زمینه ساز وحدت یا برعکس تفرق آن هاست (نقی زاده، ۱۳۹۲: ۴۸ و اکبرپور، جعفری و کریمی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵). با آگاهی از این موضوع که افراد هر جامعه بر اساس شرایط فرهنگی و اجتماعی سرزمین خود زندگی می کنند؛ مردم جامعه ایران نیز با توجه به مسائل دینی عقایدی مختص خود را دارند، که این مسأله سبب شده در گذشته طراحی و ساخت مسکن در ایران از شرایط خاصی برخوردار شود (عطاپور، ۱۳۹۴: ۱)؛ که از اشکال اصلی بیان فرهنگی بوده که همزمان راه حل های فنی شکل سرپناه، حساسیت های هنری، ارزش های زیباشناختی و باورهای دینی را نیز منعکس می کرد (وثیق و پشوتی زاده، ۱۳۸۹: ۵۰). در دین آسمانی اسلام به موضوع مسکن به گونه ای خاص و با طمأنینه و مباحث بسیار توجه شده است و با روند اعتدال آمیز خویش، انسان ها را از هرگونه زیاده خواهی و نقصان در زمینه مسکن، برحذر داشته و به تبیین شاخصه ها و ویژگی های اساسی آن پرداخته است (ملایری و خاقانی، ۱۳۹۴: ۲).

دسترسی به مسکن و داشتن مسکن مناسب، به عنوان یک حق بشری در کنار سایر حقوق شناخته شده برای بشر، از اهداف اجتماعی هر جامعه است (پورمحمدی، ۱۳۹۰: ۳). و فضاهای مسکونی باید بتوانند نیازهای جسمی و روحی را برآورده کنند (Farajollahi Rod and Ardiani, 2019: 36). این موضوع به اندازه ای حائز اهمیت می باشد که از جمله مسائل مهم در سبک زندگی اسلامی نیز، مسکن مناسب و شرایط و خصوصیات آن است (اصغری، ۱۳۹۲: ۳۲). مسکن مناسبی که خصوصیات آن بر ارزش های فرهنگی و احیاء و ترویج آن ها در جامعه استوار بوده است و در راستای امحاء از خودی گانگی و بازگشت به خویش می باشد (نقی زاده، ۱۳۹۱: ۳۹). اما پیشرفت های تکنولوژیک بی سابقه از یک سو، ضعف حس مسئولیت پذیری افراد خانواده و اخلاق از سوی دیگر و سرانجام رقابت کنترل نشده ما بین



کشورها و ورود فرهنگ بیگانه که هیچ سختی باروحیات مسلمانان ندارد زمینه‌ی زندگی‌های ملال‌آور را پدید آورده است (ملایری و خاقانی، ۱۳۹۴: ۲)؛ که ضرورت تدوین مبانی مسکن با بهره‌گیری از مبانی معماری ایرانی- اسلامی دهه‌های گذشته و اصول جهان‌بینی توحیدی اسلام و نیز الزام توجه به ارتقاء کیفی مسکن و دگرگونی در شیوه‌های ساخت ابنیه راه، اجتناب‌ناپذیر نموده است. به این معنا که نه تکرار کالبد گذشته و نه تقلید کورکورانه و تکرار نابجای الگوهای بیگانه درست است (نقی‌زاده و اسدزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۲). توجه به مسکن مسلمان در اسلام با بصیرت‌نگری به آیات الهی گره خورده است (حسینی و صمیمی، ۱۳۹۴: ۳). مسکن شهر و بافت مسکونی به عنوان اصلی‌ترین تجلی‌گاه نمود ارزش‌های اسلامی (به دلیل اشغال بخش عمده‌ای از سطح شهرها) می‌تواند هم در بافت ارگانیک و قدیمی شهرها و هم در بافت جدید شهرها، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در چند دهه اخیر سیاست‌های غیر موثر تامین مسکن جای خود را به ایجاد سرپناه داده و محصول چنین روندی، انبوهی از ساختمان‌های به اصطلاح مسکونی است که نمایانگر بی‌توجهی به اصول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی است (پیلور و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۱). براین اساس، پژوهش حاضر برای تحقق اهداف اصلی زیر تمرکز نموده است: ۱- شناخت وضع موجود مسکن محلات قدیم و جدید شهر ارومیه؛ ۲- شناخت شاخص‌های مسکن ایرانی-اسلامی، ۳- ارزیابی و تحلیل تطبیقی مسکن محلات قدیم و جدید شهر ارومیه با شاخص‌های مسکن ایرانی-اسلامی برای دستیابی به نقاط ضعف و قوت محلات مورد مطالعه در ارتباط با شاخص‌های مذکور.

با توجه به اهمیت موضوع مسکن و لزوم رعایت اصول و شاخص‌های ایرانی-اسلامی در نظام برنامه‌ریزی و احداث مسکن در کشورمان مطالعات گوناگونی در این زمینه انجام شده است که در این بخش به معرفی برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

وثیق و پشوتنی زاده (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «مفاهیم مسکن در آیات و روایات اسلامی»، مفهوم مسکن از دیدگاه اسلام را با استفاده از منابع دینی (آیات و روایات) مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در نهایت نیز به جهت‌گیری‌های دینی در زمینه مفهوم مسکن دست یافته‌اند. نتایج تحقیق حاکی است، متون اسلامی درباره معماری، ضوابط و شاخصه‌هایی را مطرح می‌کند که مسکن را در حوزه‌های تک بنا تا مجموعه شهری پوشش می‌دهد و نقش مسکن و انسان را در توده‌های انسانی و مجموعه‌های ساختمانی تشریح می‌نماید.

آصفی و ایمانی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی» به ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت مسکن و محیط مسکونی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته وجود دارد که از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل سرچشمه می‌گیرد.

ضرغامی و سادات (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی شاخص‌های مسکن ایرانی، اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز» به مشخص نمودن میزان همبستگی اصول معماری ایرانی با اصول معماری اسلامی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که برای بازگشت به الگوی ایرانی-اسلامی در طراحی و اجراء مجتمع‌های مسکونی امروزی چهار عامل امنیت و آسایش، داشتن حریم خصوصی، استفاده از عوامل طبیعی و تواضع در خانه به عنوان شاخص‌های مشترک مسکن بر مبنای فرهنگ ایرانی-اسلامی و مسکن آپارتمانی امروز هستند.

نقی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی-ایرانی» معیارهای کمی و کیفی مسکن در کشورمان را مورد توجه قرار داده و ضمن تأکید بر مهجور ماندن معیارهای کیفی، که عمدتاً معیارهای فرهنگی هستند، معتقد است که از نخستین گام‌ها در راه تأمین مسکن مناسب برای جامعه ایرانی «معرفی و ترویج ویژگی‌های مسکن مطلوب» می‌باشد. در ادامه نیز به تبیین اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی-اسلامی پرداخته است.

قرائتی (۱۳۹۳) کتاب «سیمای مسکن و شهر اسلامی» را با هدف توجه دادن دانشجویان و اساتید رشته‌های ساختمان و مسکن و مسئولان شهرداری‌ها به این نکته که اسلام فقط به مسائل فردی و عبادی نپرداخته است و خالق انسان و هستی، برای همه نیازمندی-

های انسان برنامه دارد تألیف نموده است. هدف دیگر این نوشتار را نیز بیان چارچوب‌های بنیادین در خانه و مسکن از دیدگاه قرآن و روایات، عنوان نموده است.

اخوت (۱۳۹۱) نیز در مقاله خود تحت عنوان «بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین - (ع)» درصدد پاسخگویی به این سوال که "مؤلفه‌های هویت اسلامی در مسکن سنتی چیست و چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند؟" برآمده است. در پایان نیز نتایج پژوهش نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که هویت دینی مسکن سنتی در سه مؤلفه پیوند ساختاری، پیوند محیطی و پیوند معنایی قابل دسته‌بندی است که این سه با یکدیگر همپوشانی داشته و تفکیک ناپذیرند؛ بدین معنا که الگوهای هویت دینی ابتدا در ساختار شکل می‌گیرند، سپس در محیط قوام می‌یابند و در نهایت با پیوندهای معنایی متعالی می‌گردند. در انتهای مقاله نیز راهبردهای بازآفرینی هویت اسلامی در مسکن معاصر بر اساس مؤلفه‌های هویتی دریافتی از مسکن سنتی بیان شده است.

مبانی نظری تحقیق

برپایه تفکر وحدت‌گرای منبعث از تعالیم اسلامی نمی‌توان مسکن را جدای از بقیه‌ی پدیده‌ها و موضوعات مرتبط با زندگی انسان مورد بررسی قرارداد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰). مسکن مسلمانان بواسطه انطباقش با نیازهای انسان و شرایط محیطی بهترین منبع پرداختن به جزئیات درباب مسکن مناسب (سکینه برای انسان) می‌باشد و به نحوی بر تجلی و ارتقای کیفیاتی که برای حیات انسان در تعالیم اسلامی مورد توجه بوده‌اند، تأثیر مثبت دارد. براین اساس، برخی اصول و معیارهای بنیادین و اهم شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی، با بررسی منابع در دسترس مرتبط با موضوع، -که به برخی از این منابع در بخش پیشینه تحقیق پرداخته شد- معرفی شده است.

اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی - اسلامی

از منظر دین اسلام برای حیات انسان سه بعد روحانی، نفسانی و جسمانی قابل تصور است، و به تناسب این سه ساحت از حیات، نیازهای انسان نیز تحت سه مقوله: نیازهای مادی یا فیزیولوژیکی (مثل خوراک و پوشاک و خانه و امثال آنها)، نیازهای نفسانی (مثل آزادی، حبّ ذات و سایر نیازهای روانی) و نیازهای روحانی (مثل ارتباط با مبدأ هستی و جنبه‌های معنوی و مرتبط با ماوراءالطبیعه) تقسیم بندی می‌شوند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵). در حقیقت، تمامی فعالیت‌های انسان از دیرباز در جهت پاسخگویی به نیازهایش بوده است که از دیدگاه اسلامی عملکردهای مادی، راه و وسیله‌ای در خدمت و در جهت تحصیل آرمان‌های معنوی هستند. مسکن و عوامل مربوط به آن نیز نباید صرفاً به عنوان سرپناه و فقط پاسخگوی نیازهای مادی انسان مدنظر قرارگیرند، بلکه توجه به آن دسته از ویژگی‌های کیفی خانه که تأمین‌کننده نیازهای روانی و معنوی انسان هستند نیز ضرورت دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۹). در همین راستا معماری مسکن نیز که در پی فراهم کردن محیط و فضای مناسب برای زیست است، نقش مهمی در تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر ایفا می‌کند. دین مبین اسلام که برای سعادت بشر، در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی دارد، اهمیت مسکن و نوع معماری را از نظر دور نداشته و توصیه‌های مختلفی در این باب ارائه کرده است به نحوی که، تأمین‌کننده توأمان نیازهای مادی (پاسخ به کالبد)، نیازهای روانی (پاسخ به نفس) و نیازهای روحانی و معنوی (پاسخ به روح) انسان بوده و در واقع، وجه تمایز خانه از دید اسلام با خانه عصر مدرنیته نیز می‌باشد.

معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌شود که فقط سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب هم‌نوعانش باشد؛ یا قیمت کم و مناسبی داشته باشد، یا این که تأمین آن برای هر کس مقدور باشد. همه‌ی این‌ها لازم‌اند، اما کافی نبوده و همه‌ی مسائلی نیستند که در تعریف مسکن مطلوب باید به آن‌ها توجه شود. یکی از نکات ضروری و بسیار مهم آن است که مسکن بایستی محل و فضای فراهم آورنده ی آرامش، آسایش (سکینه) برای ساکن خویش باشد. به نحوی که در احادیث و روایات اهل بیت، به اهمیت و جایگاه ویژه مسکن در اسلام اشاره شده است و این به صراحت مأخوذ از کلام الهی است که می‌فرماید: "اللّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا؛ و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را قرار داد" (نحل: ۸۰). ضمن آن که توجه به آیه‌ی شریفه - ی ۸۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نمل نشان می‌دهد که علاوه بر اهمیت مسکن (به طور عام) تأمین شرایط مناسب آن در شب نیز اهمیت خاص



دارد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰). در حدیثی دیگر نیز که از امام صادق(ع) نقل شده، اهمیت مسأله این‌گونه بیان شده است که: «اولین پولی که به دست می‌آورد، صرف خرید خانه کنید و آخرین چیزی که می‌فروشید، نیز خانه باشد» (الهی‌زاده و سیروسی، ۱۳۹۳: ۳۷).

اسلام، ویژگی‌های منحصر به فردی از خانه خوب و در شأن انسان مسلمان تبیین می‌کند که برای مؤمن محلی برای رفع نیازهایش هم از نظر مادی (امنیت، شکل‌گیری، گسترش خانواده و رفع نیازهای اولیه)، هم از نظر روانی (آرامش و امنیت روانی و فکری) و هم از نظر معنوی (تفکر و عبادت) می‌باشد و توجه به هر یک تأمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی اوست.

شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی

شاخص‌های پژوهش حاضر با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته (کتاب‌ها و مقالات پر استناد از پژوهشگران شناخته شده در زمینه تحقیق از جمله قرائتی (۱۳۹۳)، ملایری و خاقانی (۱۳۹۴)، وثیق و پشتوتنی‌زاده (۱۳۸۹)، اصغری (۱۳۹۲)، نقی‌زاده و اسدزاده بیرجندی (۱۳۹۲)، کشفی و همکاران (۱۳۹۳)، الهی‌زاده (۱۳۹۳)، و با توجه به اطلاعات موجود در عرصه تحقیق و همچنین در نظر گرفتن ضوابط طرح جامع و تفصیلی انتخاب شده اند. از جمله مهمترین شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی که از بررسی پیشینه به روش کتابخانه‌ای فراهم شده، عبارتند از: ۱- وسعت مسکن، ۲- دسترسی مسکن، ۳- جهت‌گیری به سمت قبله، ۴- اشرافیت، ۵- ارتباط با طبیعت ۶- فضای سبز محله، ۷- نمای ساختمان، ۸- مقاومت، ایمنی و کیفیت بنا، ۹- نور طبیعی، ۱۰- آسایش و احساس تعلق به مسکن؛

وسعت مسکن: با اینکه در قرآن، اسراف گناه کبیره شمرده شده و در روایات، از ساخت مسکنی که مورد نیاز نیست، نهی شده، اما نسبت به وسعت خانه سفارش شده است (قرائتی، ۱۳۹۳: ۵۰). رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمان است. همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش‌رفتار. امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: وسیع بودن منزل از سعادت مرد است و راحتی مؤمن در فراخی خانه‌اش می‌باشد. وسیع بودن خانه با روی آوردن به تجمل و رفاه فرق می‌کند و اسلام خانه‌ای را مورد توجه و تشویق قرار داده که صبقای عاطفه و شور زندگی در آن حاکم باشد و نبض حیات سالم در آن بتپد و زلال محبت در آن جاری باشد از دیدگاه اهل بیت عصمت و طهارت یکی از چیزهایی که آسایش مسلمان را تأمین می‌کند خانه وسیعی است که ناموس صاحبش و وضع او را از چشم مردم بپوشاند. در روایات، علاوه بر وسعت خانه، به وسعت حیاط نیز اشاره‌های متعددی شده و تأکید گردیده است که صحن و حیاط خانه، بهتر است وسیع و بزرگ باشد. در این جا به عنوان نمونه به یک روایت در این باب استناد می‌شود: امام علی(ع) فرموده است: برای هر چیزی شرفی است و شرف خانه، وسعت صحن خانه و معاشران و آمیزش‌کنندگان صالح می‌باشد (ملایری و خاقانی، ۱۳۹۴: ۸-۷).

دسترسی مسکن: اگر مسکن به مراکزی مثل مدرسه و مسجد و کتابخانه نزدیک باشد، انسان توفیقات بیشتری پیدا می‌کند. همچنین براساس روایات، صله رحم سبب آبادانی شهرها می‌شود. لذا در انتخاب مسکن مکانی را انتخاب کنیم که دید و بازدید بستگان آسان‌تر باشد. قرآن در آیه ۲۷ سوره بقره می‌فرماید: «گروهی از مردم، آنچه را خداوند به وصلش فرمان داده است، قطع می‌کنند امام سجاد(ع) نیز خطاب به فرزندش می‌فرماید: «از دوستی و مصاحبت با کسانی که قطع رحم می‌کنند بپرهیز، زیرا من در قرآن آن‌ها را ملعون یافته‌م (قرائتی ۱۳۹۳: ۵۳).

جهت‌گیری به سمت قبله: جهت‌یابی در اسلام بر اساس جهت قبله است (وثیق و پشتوتنی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۷). بر اساس آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس، بهترین جهت برای منزل، جهت قبله است تا وحدت جهت در شهر اسلامی رعایت شده و تنظیم امور بر اساس قبله صورت گیرد (اصغری، ۱۳۹۲). پس با توجه به اهمیت قبله و اینکه نشانه مسلمانی ما و نشانه ادب انسان مقابل حضرت حق است، بایستی احکام قبله در خانه‌ها لحاظ گردد. در نتیجه معیارهای زندگی شامل توجه به معنویت و تواضع در برابر خالق هستی است که اصول طراحی آن شامل: طراحی فضایی معنوی و جدا از سایر اتاق‌ها برای ارتباط با یگانه خالق هستی (رو به قبله)، توجه به اعتقادات اسلامی در زمینه قبله (رعایت جهت‌های بنا) و در نظرگیری مساحت کافی برای اتاق‌ها می‌باشد (نقی‌زاده و اسدزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۶).

اشرافیت: یکی از تعالیم اسلامی، ایجاد محرمیت و بستن دید نامحرمان است (امین پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۹). اشراف بر زندگی دیگران و گشودن روزنه و پنجره به مساکن اهل محل، در نظام معماری اسلامی روا نیست و تجاوز به حقوق دیگران به حساب می‌آید.

رسول اکرم(ص) فرموده است که حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند. امام صادق(ع) فرمود: مؤمن در سه چیز آسوده است که یکی از آن‌ها، خانه‌ی گسترده‌ای است که از نادیدنی‌های او پرده‌پوشی کند و حالات ناشایست را از دید مردم مصون بدارد(کشفی وهمکاران، ۱۳۹۳: ۶۳). همچنین از آیه ۱۸۹ سوره بقره نیز پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها استنباط می‌شود (اخوت، ۱۳۹۱: ۶۲).

ارتباط با طبیعت: از جمله دیگر نکاتی که در اسلام بر آن تأکید شده، بهره‌گیری از طبیعت برای سلامت روح و روان و تفکر در آن، برای افزایش ایمان به خالق هستی است که در معماری سنتی ایرانی نیز، ارتباط با عناصر طبیعت به وضوح دیده می‌شود (الهی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۰). از آیه ۷۴ سوره اعراف نیز چنین استنباط می‌شود که قرآن بر احداث خانه در محلی خوش آب‌وهوا و در زمین مناسب که آسایش آدمی تأمین گردد تأکید دارد (اخوت، ۱۳۹۱: ۵۹).

فضای سبز در محله: امروز اکثر منازل و شهرک‌ها در قالب آپارتمان ساخته می‌شود و در فاصله‌های دور یا نزدیک آن‌ها بوستانی می‌سازند. اما در فرهنگ اسلامی، اولویت با خانه حیاطدار است، نه آپارتمان بدون حیاط؛ اولویت با باغچه کوچک داخل حیاط منزل است، نه بوستان بزرگ بیرون منزل. به همین دلیل اگر مهندسان مسلمان تدبیری بیندیشند که پارک‌ها هر کجا امکان دارد، تبدیل به باغچه خانه‌ها شود، مردم از برکات باغچه استفاده بیشتری خواهند کرد (قراستی، ۱۳۹۳: ۵۶).

نمای ساختمان: با وجود محترم شمردن مالکیت افراد در اسلام، لیکن نمای ساختمان چون در معرض دید آحاد جامعه است، اگر آسیبی به هویت ملی یا دینی جامعه بزند، می‌توان صاحب ساختمان را از آن نما بازداشت؛ دلیل این موضوع نیز در آیه ۸۷ سوره هود این چنین آمده است: «مردم به حضرت شعیب می‌گفتند: آیا نمازت تو را وادار کرده که نگذاری ما در اموالمان هرگونه که می‌خواهیم تصرف کنیم: (ایشان نیز در جواب فرمودند) آری؛ مالکیت، دلیل جواز هر نوع تصرف و مصرف نیست» (قراستی، ۱۳۹۳: ۶۳).

مقاومت، ایمنی و کیفیت بنا: دقت و استحکام در ساختن بنا در اسلام، دارای اهمیت والایی است. قرآن کریم در آیه ۹۸ سوره کهف در مورد سدی که ذوالقرنین بنا نمود، این چنین می‌فرماید: «هنگامی که وعده پروردگارم فرارسد، آن را در هم می‌کوبد». این بدان معناست که استحکام این سد، به گونه‌ای است که هیچ چیز به جز امر پروردگار نمی‌تواند آن را تخریب نماید. اگر ساختمان و بنا از استحکام خوبی برخوردار نباشد به دلیل خطرات فرین بودن آن، آرامش و امنیت از ساکنان، در خیلی از موارد سلب خواهد شد که این مسئله با مقوله آرامش بخشی مسکن در تعارض است. محکم‌سازی بنا، علاوه بر فواید مذکور، اجر اخروی هم دارد؛ زیرا در مورد بنا، این طور گفته شده است که تا زمانی که کسی از آن استفاده می‌کند، اجر و پاداش آن، نصیب سازنده بنا خواهد شد. در این باره می‌توان به این روایت پیامبر اکرم(ص) اشاره نمود: «هر کس بتواند بدون ستم و تجاوز، بنایی بسازد یا هم چنین بدون ستم و تجاوز، درختی در زمین بنشاند، پاداشی جاری دارد که تا یکی از بندگان خدای رحمان از آن (بنا، خانه، درخت) استفاده کند، به او داده خواهد شد» (اصغری، ۱۳۹۲).

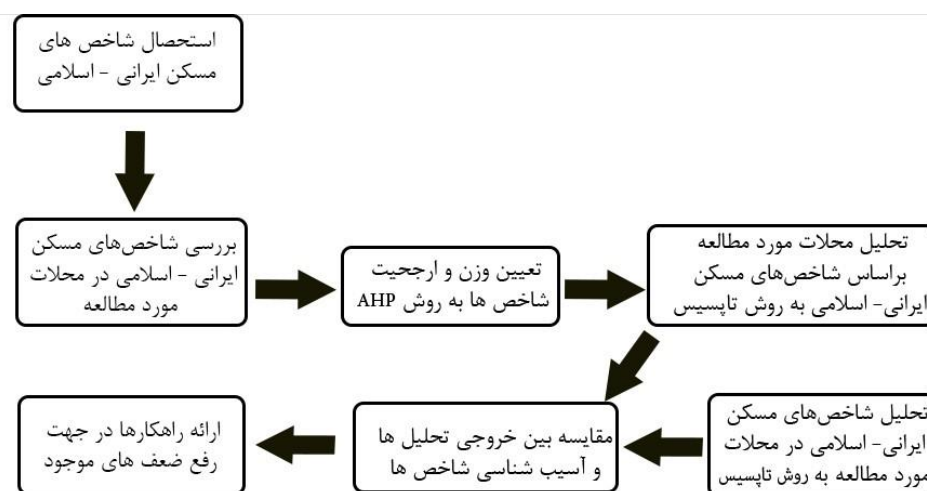
بهره‌گیری از نور طبیعی: بهره‌گیری از نور خورشید در سلامتی ساکنان خانه مؤثر است. در آیه ۳۵ سوره نور قرآن کریم آمده است: «خداوند متعال نور آسمان‌ها و زمین است. به وسیله‌ی این نور، حقایق ظهور کرده که قبلاً ظاهر نبود» و همچنین در ماجرای اصحاب کهف در آیات ۱۷-۱۶ سوره کهف خداوند به اصحاب کهف وعده رحمت و لطف و رفیق داد؛ سپس نمونه این رحمت و لطف را، وسعت و نور غار بیان کرد (قراستی، ۱۳۹۳: ۵۵).

آسایش در مسکن و احساس تعلق به مسکن: مسکن از ریشه "سکینه" به معنای آرامش است و از نیازهای مهم خانواده‌ها بوده و در میان تمامی مزایای خانه، مهم‌ترین آن‌ها امنیت و آسایش می‌باشد (کشفی، ۱۳۹۳: ۶۱). قرآن کریم در این باره، در آیه ۸۰ سوره نحل می‌فرماید: «خداوند خانه‌های شما را مکان آرامستان قرار داد». خانه‌هایی که در کنار فرودگاه، راه‌آهن و کارخانجات پر سروصدا هستند، ساکنانشان به اضطراب در آن‌جا زندگی می‌کنند و آرامشی ندارند. در خانه‌سازی باید دیوارها به گونه‌ای عایق‌بندی شود که گفتگوهای ساکنان خانه به همسایگان منتقل نشود (قراستی، ۱۳۹۳: ۵۷). در تمدن اسلامی مسکن بر اساس آرامش شکل می‌گیرند (Zarghami, 2018).



روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از منظر روش، تطبیقی-تحلیلی می باشد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی است. بدین نحو، که در مرحله اول، به روش اسنادی، با استفاده از ابزار اسنادعلمی در دسترس، شاخص‌های کمی استخراج گردید و در روش میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه، شاخص‌های کیفی مسکن بررسی گردید. جامعه آماری تحقیق، خانوارهای ساکن در مسکن محلات مورد مطالعه (جدول) بودند. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران به تعداد ۳۳۰ خانوار محاسبه گردید. شیوه نمونه‌گیری با توزیع تعداد نمونه به نسبت جامعه آماری در قلمرو مکانی تحقیق، به صورت تصادفی و مکان محور بوده است. پرسشنامه‌ها و با مراجعه حضوری خانوارهای ساکن تکمیل شده‌اند. برای سنجش پایایی و روایی پرسشنامه‌ها ابتدا سوالات پرسشنامه چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و سپس ۱۰ نمونه توسط پاسخگویان تکمیل گردید تا روایی سوالات کاملاً قابل فهم و صحیح برداشت شود. هم‌منظور پایایی آن نیز از طریق نرم افزار SPSS کنترل گردید. در حین پرسشگری نیز مطالب به صورت کامل برای ساکنان انتخابی شرح داده شده تا پرسشنامه‌ها با آگاهی و دقت تکمیل گردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا، برای وزن‌دهی به شاخص‌های مسکن اسلامی نیز، ۳۰ عدد پرسشنامه خبره تنظیم گردید که ۱۵ پرسشنامه توسط کارشناسان حوزه علمیه و ۱۵ پرسشنامه توسط کارشناسان دانشگاهی مرتبط با مسکن نظرخواهی گردید. از مدل AHP نیز جهت وزن‌دهی به شاخص‌های مدنظر از طریق پرسشنامه‌های کارشناسی استفاده گردیده‌است. جهت تحلیل و سنجش وضعیت محله‌های مورد مطالعه از نظر شاخص‌های مسکن اسلامی و همچنین سنجش وضعیت شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی در محلات مورد مطالعه، از تکنیک TOPSIS استفاده گردید. پس از تحلیل اولیه و سنجش وضعیت، با استفاده از خروجی مدل تاپسیس به آسیب شناسی و شناسایی نقاط ضعف شاخص‌ها پرداخته شد که نهایتاً منجر به ارائه راهکارهایی در جهت کاستن از مشکلات و مسائل مربوط به برخورداری محلات مورد مطالعه از شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی گردید.



شکل (۱). چارچوب پژوهش

محدوده مورد پژوهش

جهت ارزیابی و تحلیل مسکن شهر ارومیه براساس شاخص‌های مسکن اسلامی، دو محله با قدمت و بافت متفاوت از همدیگر از میان محله‌های شهر ارومیه انتخاب گردیدند. شهر ارومیه یکی از شهرهای تاریخی ایران است که در سال‌های اخیر به سرعت رشد کرده است (Abedini and Khalili, 2019 ; Abedini et al, 2020) انتخاب محلات براساس شرایط زیر انجام گرفته است:

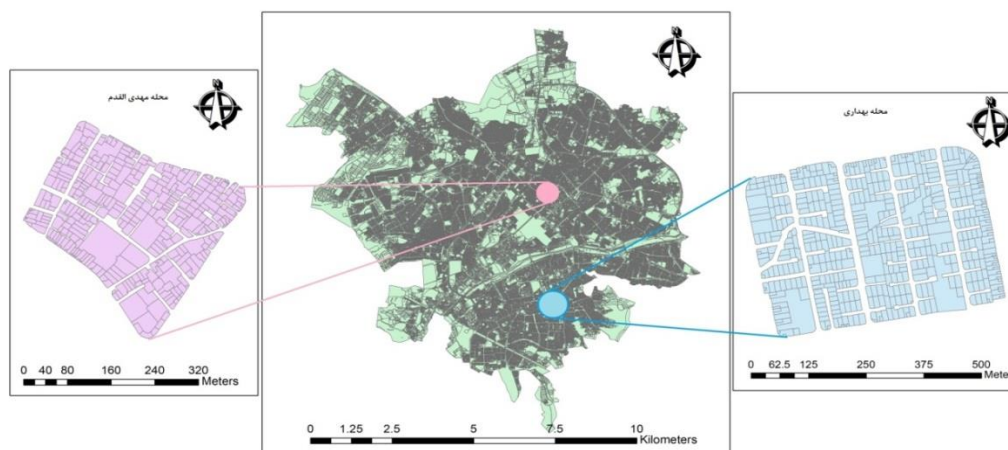
- ۱- کاربری‌های قطعات غالباً مسکونی باشند.
 - ۲- محله‌های انتخاب شده باید معرف شرایط بافت جدید و بافت قدیم شهر باشند.
 - ۳- از نظر موقعیت قرارگیری نزدیک به هم‌دیگر نباشند.
 - ۴- اطلاعات موردنیاز پژوهش برای محله‌های انتخاب‌شده در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط ذکرشده پس از بررسی محله‌های واقع در بافت قدیم و جدید شهر ارومیه دو محله به‌عنوان محدوده‌های مورد بررسی به شرح ذیل انتخاب گردیدند:

محدوده شماره یک: محله بهداری

محله بهداری یکی از محلات جدید شهر ارومیه می‌باشد. این محله در سرشماری سال ۱۳۹۰ با جمعیت تقریبی ۲۸۰۴ نفر در جنوب-شرقی شهر ارومیه و از نظر تقسیمات اداری در منطقه یک شهر ارومیه قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). سابقه محله بهداری به سال ۱۳۷۰ برمی‌گردد و دارای بافتی منظم و تفکیک‌هایی براساس اصول شهرسازی می‌باشد. این محله از نظر ساختمان‌های موجود در آن غالباً نوساز است.

محدوده شماره دو: محله مهدی‌القدم

محله مهدی‌القدم به‌عنوان محله‌ای باسابقه و دارای قدمت تاریخی در شهر ارومیه شناخته می‌شود. این محله در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای جمعیتی در حدود ۹۶۰ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، ازجمله محلات اولیه شکل‌دهنده شهر ارومیه می‌باشد که هنوز هم شرایط لازم برای سکونت را حفظ کرده، سرزنده و پویا است و سابقه وجود آن به قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی برمی‌گردد. محله مهدی-القدم دارای بافتی ارگانیک می‌باشد که در طول زمان و براساس شرایط مالکیتی و طبیعی رشد یافته است.



شکل (۲). موقعیت محلات مورد مطالعه در پهنه شهر ارومیه (سمت راست: محله بهداری، سمت چپ: محله مهدی‌القدم)



تجزیه و تحلیل داده ها

یافته های توصیفی مساکن در محلات مورد مطالعه بررسی شاخص های مسکن ایرانی - اسلامی در محلات مورد مطالعه

وسعت مسکن: در این پژوهش جهت به دست آوردن وسعتی شاخص برای مقایسه وضعیت دو محله، درصد مساحت مسکن برای هر دو محله محاسبه گردید. سپس بازه‌ای که دارای بیشترین درصد بود، برای هر دو محله مشخص گردید و بازه‌ای که دارای مساحت بیشتر باشد، وضعیت وسعت مسکن در محله‌ها را نشان می‌دهد. با مقایسه وضعیت محله براساس روش مذکور، محله بهداری دارای وضعیت بهتری نسبت به محله مهدی‌القدم دارد. همچنین براساس ضوابط طرح تفصیلی شهر ارومیه محله بهداری در پهنه تراکم کم (با حداقل تفکیک ۲۵۰ مترمربع) و محله مهدی‌القدم در پهنه تراکم متوسط (با حداقل تفکیک ۲۰۰ مترمربع) قرار دارند. و براساس شاخص‌های اسلام، مساحت بیشتر برای قطعات مسکونی مطلوب‌تر می‌باشد. در نتیجه بازه ۳۰۰ - ۲۰۰ مترمربع مطلوب‌ترین بازه برای سنجش وضعیت این شاخص در هر دو محله می‌باشد. شاخص مساحت قطعات مسکونی براساس مطالعات، بیشتر در بازه ۳۰۰ - ۱۰۰ مترمربع در هر دو محله متمرکز است. که از این میان ۵۷/۳ درصد از قطعات مسکونی محله مهدی‌القدم در بازه ۲۰۰ - ۱۰۰ مترمربع قرار دارد. در محله بهداری نیز ۵۳/۰۴ درصد از قطعات مسکونی در بازه ۳۰۰ - ۲۰۰ مترمربع واقع می‌باشند. در نتیجه محله بهداری از نظر مطلوبیت، شاخص مساحت قطعات مسکونی در وضعیت مناسب‌تری می‌باشد (جدول شماره ۱).

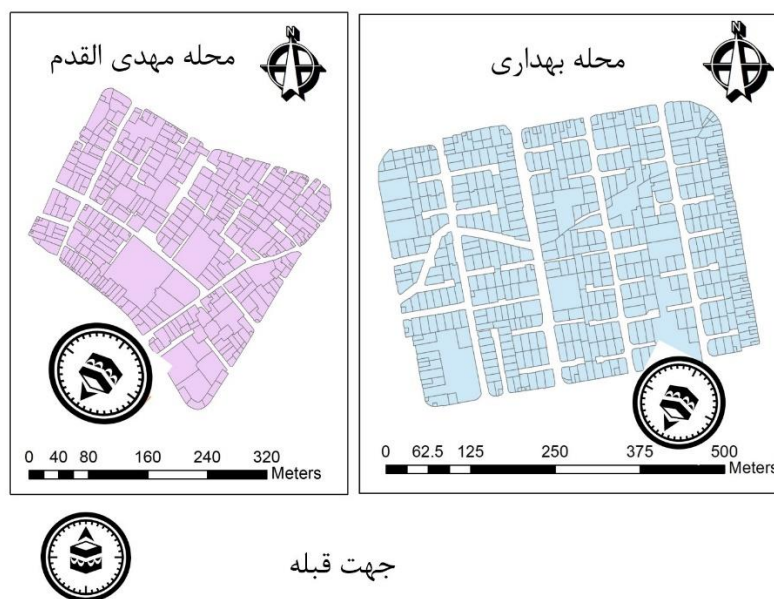
جدول (۱). مساحت قطعات مسکونی در محلات مورد مطالعه (درصد)

مساحت	۱۰۰-۱	۲۰۰-۱۰۱	۳۰۰-۲۰۱	۴۰۰-۳۰۱	۵۰۰-۴۰۱	۶۰۰-۵۰۱	۷۰۰-۶۰۱	۷۰۰<
بهداری	۰,۰۰	۴,۹۱	۵۳,۷۵	۳۲,۰۴	۶,۷۲	۱,۵۵	۰,۷۸	۰,۲۶
مهدی‌القدم	۱۲,۴۱	۵۷,۳۰	۲۱,۵۳	۷,۳۰	۰,۷۳	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۷۳

ماخذ: مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۹

دسترسی مسکن: برای بررسی این شاخص، از ساکنین محلات مورد مطالعه طی پرسشنامه‌ای میزان دسترسی به مسکن و دسترسی به فعالیت‌های مسکن مورد سنجش قرار گرفت، و براساس بررسی‌های صورت گرفته، از نظر شاخص دسترسی به مسکن، محله مهدی-القدم با ۶۷,۸ درصد اعلام رضایت در شرایط مطلوب‌تری نسبت به محله بهداری با ۴۳,۰۵ درصد اعلام رضایت قرار دارد.

جهت‌گیری مسکن به سمت قبله: در شهر ارومیه جهت‌گیری قطعات به سمت قبله بسیار حائز اهمیت می‌باشد. با توجه به اینکه جهت قبله در این شهر اختلاف اندکی با جهت جنوب دارد، بیشتر قطعات مسکونی جهت‌گیری به سمت قبله دارند که همچنین در ضوابط طرح‌های توسعه شهری نیز به این امر دقت گردیده است. در کل ۶۷ درصد قطعات مسکونی محله بهداری و ۸۵ درصد قطعات محله مهدی‌القدم تقریباً جهت‌گیری به سمت قبله دارند. لازم به ذکر است که شرایط توپوگرافی و شبکه‌بندی هردو محله تقریباً شبیه به هم می‌باشد (شکل ۳).



شکل (۳). جهت قبله در محله های مورد مطالعه

عدم اشرافیت به مسکن: در محلات مورد مطالعه، جهت سنجش اشرافیت مسکن، سوال هایی در پرسشنامه گنجانده شد. بر طبق نتایج حاصله مشخص گردید که محله بهداری با اعلام ۶۱ درصد رضایت از عدم اشرافیت به حریم خصوصی آنان به دلیل جهت گیری و ساختار بناهای قطعات مسکونی، در شرایط مطلوب تری نسبت به محله مهدی القدم با نسبت ۴۷ درصد دارد.

نمای مسکن: در ضوابط طرح تفصیلی شهر ارومیه نیز برای تمامی ساختمان های شهری استفاده از نمای مناسب ضروری است. با مقایسه وضعیت این شاخص از بعد کمی، در هر دو محله نشان می دهد که در محله مهدی القدم ۳۹/۴۲ درصد ساختمان ها بدون نما و در محله بهداری ۴۰/۳۱ درصد ساختمان ها بدون نما می باشند. بنابراین این گونه استنباط می گردد که وضعیت این شاخص در هر دو محله نامطلوب می باشد. اما از بعد کیفیت نماها، با توجه به شرایط اقلیم ارومیه و نمای بومی آن که بیشتر از آجر و سنگ نما هستند، محله بهداری دارای شرایط بهتری می باشد و طبیعتاً این مورد به خاطر نوساز بودن بافت آن می باشد که رعایت ضوابط و الزامات اجرای ساختمانی نقش موثری داشته است.

جدول (۲). وضعیت نمای ساختمان های مسکونی در محلات مورد مطالعه (درصد)

	آجر	سنگ	سیمان	گچ	کاه گل	سایر	بدون نما
بهداری	۱۲,۹۲	۴۱,۰۹	۱,۰۳	۰,۲۶	۰,۰۰	۴,۳۹	۴۰,۳۱
مهدی القدم	۸,۷۶	۲۴,۸۲	۲۴,۰۹	۰,۰۰	۱,۸۲	۱,۰۹	۳۹,۴۲

ماخذ: مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۹

مقاومت، ایمنی و کیفیت بنا: یکی از مواردی که می توان مقاومت و ایمنی ساختمان را مورد سنجش قرارداد وضعیت مصالح اسکلت بنا است که با توجه به پیشرفت فناوری می تواند متغیر باشد با بررسی های صورت گرفته در هر دو محله مشخص گردید که اسکلت فلزی و بتن آرمه جزو مقاوم ترین مصالح می باشند که با در نظر گرفتن مقادیر به دست آمده محله بهداری ۹۶/۳۸ درصد و محله مهدی القدم ۲۷/۸۴ درصد می باشد. بنابراین محله بهداری دارای وضعیت مطلوب تری می باشد.

جدول (۳). نوع اسکلت ساختمان‌های مسکونی در محلات مورد مطالعه (درصد)

	خشت و چوب	آجر و چوب	آجر و آهن	اسکلت فلزی	بتون آرمه
بهداری	۰,۲۶	۰,۲۶	۳,۱۰	۶۷,۷۰	۲۸,۶۸
مهدی‌القدم	۰,۰۰	۱۸,۶۸	۵۳,۴۸	۲۰,۸۸	۶,۹۶

ماخذ: مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۹

همچنین کیفیت بناهای مناسب در این پژوهش نوساز و قابل قبول در نظر گرفته شده است. مقدار این شاخص در محله مهدی‌القدم ۹۵,۶۲ درصد و همین مقدار در محله بهداری ۹۴,۶ درصد می‌باشد. بنابراین وضعیت هر دو محله در این شاخص در سطح مطلوبی می‌باشد.

جدول (۴). کیفیت ساختمان‌های مسکونی در محلات مورد مطالعه (درصد)

	مخروبه	تخریبی	مرمتی	قابل قبول	نوساز	در حال ساخت
بهداری	۰,۰۰	۰,۲۵	۰,۰۰	۷۴,۴۵	۲۰,۱۵	۵,۱۶
مهدی‌القدم	۲,۵۵	۱,۰۹	۰,۷۳	۷۵,۵۵	۲۰,۰۷	۰,۰۰

ماخذ: مهندسین مشاور طرح و آمایش، ۱۳۸۹

فضای سبز در محلات: این شاخص شامل وجود پارک‌های درون محله‌ای یا فضای سبز دیگر در محلات می‌باشد که هیچ کدام از محلات مورد مطالعه در داخل محدوده‌شان، دارای پهنه سبز نیستند.

ارتباط مسکن با طبیعت: ارتباط مسکن با طبیعت شامل وجود درخت یا گیاهان در حیاط خانه، وجود حوض آب یا امثال آن در خانه‌های مسکونی محلات می‌باشد که با توجه به مطالعات میدانی صورت گرفته و استفاده از تصاویر ماهواره ای، محله بهداری نسبت به محله مهدی‌القدم در وضعیت بهتری در این شاخص می‌باشد.

بهره‌گیری از نور طبیعی: از نظر بهره‌گیری از نور طبیعی نشان می‌دهد که از طریق پرسشنامه از ساکنان هر دو محله تهیه گردید محله بهداری از نظر بهره‌گیری کافی و مناسب از نور طبیعی در فصول سرد نسبت به محله مهدی‌القدم دارای شرایط مطلوب‌تری می‌باشد؛ که به دلیل متناسب بودن نسبت عرض معبر به ارتفاع ساختمان در محله بهداری می‌باشد.

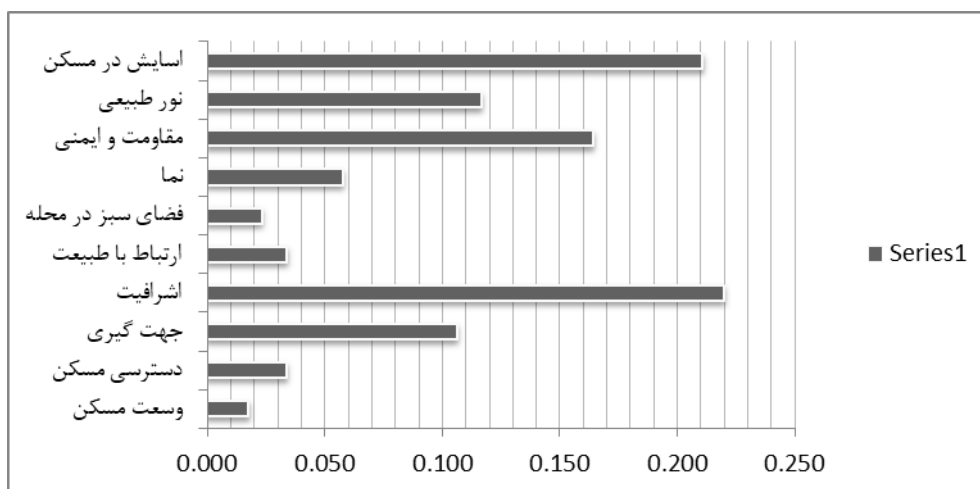
آسایش در مسکن: براساس نتایج استخراج شده از پرسشنامه‌های مربوطه به این شاخص آسایش در قطعات مسکونی در محله بهداری در شرایط مطلوب‌تری نسبت به محله مهدی‌القدم قرار دارد.

تحلیل شاخص‌های مسکن اسلامی

پس از بررسی وضعیت مسکن بر اساس شاخص‌های مسکن اسلامی، لازم است تا تحلیل این شاخص‌ها و میزان بهره‌مندی محلات از شاخص‌های مسکن اسلامی انجام گیرد.

سنجش میزان اهمیت شاخص‌های مسکن اسلامی براساس وزن دهی به روش AHP

نتایج حاصل از پرسشنامه‌های خبره در نرم‌افزار Expert Choice مورد تحلیل قرار گرفت. وزن‌های به‌دست‌آمده برای شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی در شکل ۴ نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اشرافیت مسکن یا به تعبیری عدم اشرافیت به مسکن، در بین تمام شاخص‌ها بالاترین اهمیت را داراست. شاخص آسایش در مسکن نیز به عنوان دومین شاخص با اهمیت به‌دست آمد. که این نتایج، نشان‌دهنده اهمیت این دو شاخص از نظر کارشناسان حوزوی و دانشگاهی است و به طور فراوانی از سایر شاخص‌ها، از نظر مقدار عددی به‌دست آمده، بالاتر هستند. شاخص‌های پراهمیت بعدی به ترتیب شاخص مقاومت و ایمنی، شاخص بهره‌گیری از نور طبیعی و شاخص جهت‌گیری به سمت قبله می‌باشند.



شکل (۴). وزن‌های نهایی شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی ماخذ: نگارندگان

سنجش و رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه با استفاده از مدل TOPSIS

پس از به‌دست‌آوردن اهمیت شاخص‌ها و وزن دهی به آن‌ها، با استفاده از اطلاعات گردآوری شده، جهت رتبه‌بندی محلات از نظر برخورداری از شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی اقدام گردید. بدین منظور از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس (TOPSIS) استفاده گردید. جدول ۵ مقادیر اولیه داده‌های خام شاخص‌ها جهت ورود به مدل تاپسیس را نشان می‌دهد.

جدول (۵). مقادیر اولیه شاخص‌های مسکن ایرانی - اسلامی در مدل تاپسیس

شاخص‌ها \ محلات	آسایش در مسکن	نور طبیعی	مقاومت و ایمنی و کیفیت بنا	نما	فضای سبز در محله	ارتباط با طبیعت	اشرافیت	جهت‌گیری به سمت قبله	دسترسی مسکن	وسعت مسکن
محله بهداری	۴۰	۴۰	۹۶,۳۸	۴۰,۳۱	۰	۶۶	۴۰	۶۷	۳۰	۵۳,۷۵
محله مهدی‌القدم	۲۰	۳۰	۲۷,۸۴	۳۹,۴۲	۰	۵۰	۲۰	۸۵	۵۰	۲۱,۵۳

ماخذ: نگارندگان

نتیجه نهایی مدل تاپسیس که در جدول ۶ نشان داده شده است، بیانگر این است که محله بهداری، با در نظر گرفتن جمیع شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی، نسبت به محله مهدی‌القدم در شرایط مطلوب‌تری می‌باشد.

جدول ۶ - نتیجه نهایی رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه در مدل تاپسیس

رتبه نهایی	مقدار C _{li}	
۱	۱	محله بهداری
۲	۰	محله مهدی‌القدم

ماخذ: نگارندگان



سنجش و رتبه‌بندی شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی در محلات با استفاده از مدل TOPSIS

جهت بررسی و تحلیل وضعیت شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی با در نظر گرفتن وضعیت این شاخص‌ها در محلات مورد مطالعه، از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس استفاده گردید. ورودی‌های مدل تاپسیس در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. در این مرحله، بجای رتبه‌بندی محلات به رتبه‌بندی شاخص‌ها جهت بررسی ضعف و قوت شاخص پرداخته شد. نتایج حاصل از رتبه‌بندی شاخص‌ها نیز در جدول ۷ نشان داده شده است. مقادیر Cl_i هر چه به یک نزدیک‌تر باشند، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب یک شاخص می‌باشد و برعکس.

جدول ۷- نتیجه نهایی رتبه‌بندی شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی در مدل تاپسیس

شاخص‌ها	مقاومت و ایمنی و کیفیت بنا	جهت‌گیری به سمت قبله	وسعت مسکن	ارتباط با طبیعت	نور طبیعی	فضا	آسایش در مسکن	دسترسی مسکن	اشرافیت	فضای سبز در محله
مقدار Cl_i	۰,۷۹	۰,۷۶	۰,۶۹	۰,۶۹	۰,۵۷	۰,۵۴	۰,۵۲	۰,۳۹	۰,۳۹	۰,۰۰
رتبه نهایی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

ماخذ: نگارندگان

نتایج حاصل از مدل تاپسیس نشان می‌دهد که شاخص مقاومت و ایمنی در هر دو محله دارای اولین رتبه می‌باشد که نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر می‌باشد. شاخص جهت‌گیری به سمت قبله نیز در رتبه دوم قرار دارد. شاخص‌های دسترسی به مسکن، اشرافیت و فضای سبز در محله نیز آخرین رتبه‌ها را دارند که بیانگر وضعیت نامناسب این شاخص‌ها در محلات مورد مطالعه است.

بحث

براساس نتایج مدل تاپسیس، محله بهداری به‌عنوان یکی از محلات جدید شهر ارومیه، با در نظر گرفتن شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی نسبت به محله مهدی‌القدم که یکی از محلات قدیم شهر ارومیه می‌باشد، دارای مطلوبیت بیشتری می‌باشد. با بازگشت به مقادیر شاخص‌ها، مشخص می‌شود که به ترتیب، شاخص‌های مقاومت و ایمنی، وسعت مسکن، آسایش در مسکن و اشرافیت بیشترین تأثیر را در نامطلوب شدن جایگاه محله مهدی‌القدم داشته‌اند. به عبارتی دیگر، وجود ضعف در شاخص‌های مذکور در محله مهدی‌القدم باعث گردیده است تا این محله نسبت به محله بهداری، در جایگاه پایین‌تری قرارگیرد. پس بنابراین لازم است تا در برنامه‌ریزی برای محله مهدی‌القدم، راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت شاخص‌ها تبیین گردد. همچنین با توجه نتایج جدول ۵ که رتبه‌بندی شاخص‌ها را در محلات نشان می‌دهد، شاخص مقاومت و ایمنی حائز رتبه اول گردیده است. مقایسه بین وضعیت محله مهدی‌القدم و شاخص مقاومت ایمنی نشان‌دهنده وجود ضعف در شاخص مذکور در محله مهدی‌القدم است.

پس از آسیب‌شناسی شاخص‌های مسکن ایرانی- اسلامی در محلات، بر اساس مطالعات میدانی، در محله مهدی‌القدم علل این ضعف‌ها بررسی گردید که برخی از مهم‌ترین این دلایل باتوجه به شاخص‌ها به شرح زیر استنتاج گردیده است:

شاخص مقاومت و ایمنی: بافت قدیمی مهدی‌القدم و عمر بالای ساختمان‌های مسکونی موجود در آن و همچنین مصالح کم‌دوام استفاده شده در ساختمان بناهای مسکونی، باعث گردیده است تا این شاخص در محله مهدی‌القدم دارای بیشترین ضعف باشد.

شاخص وسعت مسکن: به دلیل بافت سنتی و شرایط زمان قدیم، و نبود مقررات تفکیک زمین در آن زمان، بیشتر قطعات مسکونی در طی زمان با تفکیک‌های پی‌درپی کوچک‌تر شده‌اند.

شاخص آسایش در مسکن: عدم آسایش در واحد‌های مسکونی محله مهدی‌القدم به دلیل قرارگیری آن در مرکز شهر ارومیه و در نتیجه ورود سواره به داخل بافت مسکونی است که باعث ایجاد آلودگی صوتی در محله گردیده است.

شاخص اشرافیت: با توجه به اهمیت بالای این شاخص، در محله مهدی‌القدم به سبب نوسازی‌های صورت گرفته در ساختمان‌های قدیمی و بلند مرتبه‌سازی، و همچنین عرض کم معابر باعث گردیده است تا ساکنان واحد‌های مسکونی از اشرافیت ساختمان‌های بلند مرتبه رنج ببرند.

محله بهداری نیز براساس جدول ۶، از نظر برخورداری از شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی در رتبه اول قرار دارد که با دقت در مقادیر شاخص‌ها در جدول ۵ برای این محله، به شاخص دسترسی مسکن نسبت به شاخص‌های دیگر کمترین مقدار را داراست که بیانگر ضعف این محله در دسترسی مسکن می‌باشد. همچنین شاخص‌های مقاومت و ایمنی دارای بیشترین مقدار می‌باشند که نشانگر وضعیت مطلوب این شاخص‌ها در محله بهداری می‌باشد.

براساس نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی با مبنا قرار دادن محلات مورد مطالعه، شاخص‌های مقاومت و ایمنی و جهت‌گیری به سمت قبله دارای وضعیت نسبتاً مطلوب و مطلوب، و شاخص‌های اشرافیت و فضای سبز در محله در وضعیت نامطلوب قرار دارند. با مقایسه این نتایج با اهمیت و وزن‌های محاسبه شده برای این شاخص در شکل ۱، می‌توان دریافت که با توجه به اهمیت بالای شاخص اشرافیت نسبت به شاخص‌های دیگر، وضعیت این شاخص در محلات مورد مطالعه در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد که برنامه‌ریزی و راهکارهای اساسی برای حل این مشکل را می‌طلبد. همچنین شاخص آسایش در مسکن با وجود اهمیت بالای آن نسبت به شاخص‌های دیگر، همانند شاخص اشرافیت در وضعیت نامناسبی قرار دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره مانند تاپسیس، می‌تواند در تبیین وضعیت و سنجش شاخص‌های مسکن ایرانی-اسلامی در موارد مشابه این پژوهش به مشکل‌یابی و ارائه راهکارهای مناسب‌تر جهت رفع ضعف‌های موجود کمک کند.

تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های انتخاب شده، شاخص اشرافیت به عنوان عاملی که بحث پوشاندن دید و ایجاد محرمیت را در خود نهفته است، از دید کارشناسان حوزوی و دانشگاهی نیز حائز اهمیت بالایی است و متأسفانه این شاخص در محلات مهدی‌القدم و بهداری در زمره ضعیف‌ترین شاخص‌ها بوده و نیازمند توجه بیشتری است. نکته جالب توجه در هر دوی محلات، قرارگرفتن شاخص مقاومت و ایمنی در بالاترین رده در میان سایر شاخص‌ها می‌باشد؛ که نشان‌دهنده وضعیت بهتر این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر می‌باشد. نتیجه مقایسه این دو محله نیز بیانگر این نکته است که، محله بهداری، با در نظر گرفتن جمیع شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی، نسبت به محله مهدی‌القدم در شرایط مطلوب‌تری می‌باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

با توجه به این موضوع که مهمترین هدف مقوله مسکن تأمین آسایش روحی و روانی ساکنین آن می‌باشد، تکیه بر ارزش‌های الهی و اسلامی در زمینه برنامه‌ریزی و احداث مسکن این نیاز را به نحو مطلوبی برطرف می‌نماید. متأسفانه مسکن امروز با دور شدن از هویت اصیل ایرانی-اسلامی و کاهش میزان کارایی که بر اثر تمایل و رجوع افراد به زندگی و سبک‌های غربی رخ داده‌است، بسیار نیازمند توجه اساسی و ایجاد مفهوم برای افزایش رضایتمندی افراد و ایجاد هویت برای خانه‌سازی و معماری است.

در این مقاله که با هدف بررسی میزان تطابق مساکن شهر ارومیه انجام شده است، نتایج حاصل از بررسی نمونه محلات جدید و قدیم نشان داد که مساکن محلات جدید از جنبه‌های کالبدی و استحکامی وضعیت خوبی دارند. اما از لحاظ توجه به ضروریات معنوی و روانی مسکن همچون اشرافیت به منازل دیگران، بویژه هنگامی که در دل بافت قدیم منازل مسکونی به سبک جدید ساخته می‌شوند،



شاهد بهم ریختن آسایش روانی منازل مجاور هستیم. در نتیجه حیات و ادامه بقای منازل در محلات قدیم منوط به تطبیق خود با استانداردهای جدید است. بنابراین ضرورت تدوین مبانی مسکن با بهره گیری از مبانی معماری ایرانی- اسلامی دهه های گذشته و اصول جهان بینی توحیدی اسلام و نیز الزام توجه به ارتقاء کیفی مسکن و دگرگونی در شیوه های ساخت ابنیه را، اجتنابناپذیر نموده است. در این مقاله نیز سعی شد تا با انتخاب و بررسی برخی شاخص های مسکن ایرانی - اسلامی، وضعیت مسکن محلات قدیم و نوساخت مورد داوری قرار بگیرد تا مشخص شود چقدر به این موضوع اهمیت داده شده است و چقدر اصول معماری - ایرانی اسلامی رعایت شده است.

تحلیل های انجام شده در این پژوهش نشان می دهد که از میان شاخص های انتخاب شده، شاخص اشرافیت به عنوان عاملی که بحث پوشاندن دید و ایجاد محرمیت را در خود نهفته است، از دید کارشناسان حوزوی و دانشگاهی نیز حائز اهمیت بالایی است و متأسفانه این شاخص در محلات مهدی‌القدم و بهداری در زمره ضعیف‌ترین شاخص‌ها بوده و نیازمند توجه بیشتری است. نکته جالب توجه در هر دوی محلات، قرارگرفتن شاخص مقاومت و ایمنی در بالاترین رده در میان سایر شاخص‌ها می‌باشد؛ که نشان‌دهنده وضعیت بهتر این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر می‌باشد. نتیجه مقایسه این دو محله نیز بیانگر این نکته است که، محله بهداری، با در نظر گرفتن جمیع شاخص‌های مسکن ایرانی اسلامی، نسبت به محله مهدی‌القدم در شرایط مطلوب‌تری می‌باشد. در ادامه راهکارهای مرتبط با مشکلات مسکن به‌دست آمده از طریق مدل‌های مورد استفاده، ارائه شده است که امید است به عنوان گامی هر چند کوچک در زمینه احیای مسکن ایرانی- اسلامی و توجه هر چه بیشتر به آن مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادهای ارائه شده برای محله مهدی‌القدم در راستای احیای مسکن ایرانی اسلامی:

۱. کنترل ارتفاعی ساختمان‌ها و جلوگیری از افزایش بی‌رویه تعداد طبقات و در نتیجه جلوگیری از مشکلات متعددی نظیر: اشرافیت بناها به یکدیگر و عدم بهره‌گیری از نور طبیعی را برای بناها در پی خواهد داشت.
 ۲. توجه به نمای ساختمان‌ها و تدوین الزامات و تسهیلات جهت نماسازی بهتر در محلات قدیم
 ۳. فرهنگ‌سازی و تشویق ساکنان محلات به افزایش فضای سبز در صحن بناهای مسکونی
 ۴. ارائه تسهیلات جهت مقاوم سازی بناها در محله مهدی‌القدم
 ۵. ایجاد حائل فضای سبز در محله جهت کاهش آلودگی صوتی.
- پیشنهادهای ارائه شده برای محله بهداری در راستای احیای مسکن ایرانی اسلامی:
۱. بهبود دسترسی مسکن به مراکز خدماتی نظیر مدارس، مراکز فرهنگی و افزایش سرانه فضای سبز در محله.
 ۲. بهبود سهولت دسترسی به حمل‌ونقل عمومی که عدم وجود یا کمبود این تسهیلات باعث ایجاد شرایط نامطلوب شاخص دسترسی به مسکن شده و همچنین احساس تعلق به مسکن را نیز کاهش خواهد داد.
 ۳. جلوگیری از تراکم فروشی که این امر منجر به اشرافیت بناها و کاهش محرمیت در محله بهداری شده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ادهمی خامنه، اعظم، مشکینی، ابوالفضل، باب الحوائجی، فهیمه، نوشین فرد، فاطمه، مطلبی، داریوش. (۱۴۰۰). *بازاندیشی داده های شاخص در نظام برنامه ریزی مسکن ایران. جغرافیای اجتماعی شهری*، سال ۸ شماره ۱، صص ۱-۲۴.
- امین‌پور، احمد، مدنی، رامین، حیاتی، حامد، زارع، علی رضا. (۱۳۹۷). *تأثیر آموزه‌های اسلامی بر کالبد معماری خانه‌های ایرانی نمونه موردی: خانه سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران*، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، سال ۸ شماره ۲۹، صص ۱۹۰-۱۷۳.
- اخوت، هانیه. (۱۳۹۱)، *بازشناسی مؤلفه‌های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع)*، دوفصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال ۳، شماره ۱، صص ۷۰-۵۵.
- اخوت، هانیه‌سادات. (۱۳۹۲)، *بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد)*، رساله دکتری رشته معماری، استاد راهنما: دکتر محمدرضا بمانیان، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- اصغری زمانی، اکبر؛ مصطفایی، هیرش. (۱۳۹۷)، *سنجش و چپه بندی کیفیت محیط مناطق شهری در بافت میانی مناطق شهری، با استفاده از مدل AHP و شاخص همپوشانی وزنی*، مطالعه موردی بافت میانی شهر تبریز، نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۶۴، صص ۱۸-۱.
- اصغری، یوسف. (۱۳۹۲)، *شرایط کلی مسکن از دیدگاه منابع اسلامی*، فصلنامه محفل، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۴۱-۳۲.
- اکبرپور، محمد؛ جعفری، فیروز؛ کریمی، یاشار. (۱۳۹۵)، *واکاوی میزان نگرش مردم از معیارهای مسکن مناسب روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان هشتروند)*، نشریه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۵۸، صص ۴۲-۲۴.
- الهی‌زاده، محمدحسن؛ سیروس، راضیه. (۱۳۹۳)، *الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی*، فصلنامه سبک زندگی دینی، سال ۱، پیش شماره ۱، صص ۷۰-۳۵.
- آصفی، مازیار؛ ایمانی، الناز. (۱۳۹۵)، *بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه های سنتی*، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۷۵-۵۶.
- پیله ور، علی اصغر، موسوفیان، بهاره، کاوسی، الهه. (۱۴۰۰). *الگوسازی و سنجش مؤلفه مسکن ایرانی-اسلامی درکلانشهر مشهد*. کاوش های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۲۱۹-۲۰۱.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۰)، *برنامه‌ریزی مسکن*، چاپ هشتم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران.
- تیموری، اصغر؛ اصغری زمانی، اکبر. (۱۳۹۴)، *ارزیابی ابعاد کالبدی-فضایی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرهای میانه اندام (مطالعه موردی: شهر زنجان)*، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۷۶-۱۶۳.
- جعفری، فیروز؛ شری زاده، عادل. (۱۳۹۸)، *شناسایی وامل کلیدی موثر بر قیمت مسکن با رویکرد آینده نگاری، موردپژوهی: کلان شهر تبریز*، نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی، شماره ۶۷، صص ۸۹-۶۷.
- حسینی، سیدپاسین؛ صمیمی، نجمه. (۱۳۹۴)، *ویژگی مسکن در دیدگاه اسلام و شهرسازی اسلامی*، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی، ۱۷ اردیبهشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت، صص ۱۴-۱.
- حیدری چپانه، رحیم؛ رضاطبع ازگمی، سیده خدیجه (۱۳۸۹)، *نقش استراتژی توسعه شهری در سیاست های تامین مسکن گروه های کم درآمد شهری*، مطالعه موردی: شهر رشت، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۸۲-۵۹.
- روستای، شهرپور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر؛ زنگنه، علیرضا. (۱۳۹۱)، *بررسی شاخص های کالبدی- اجتماعی مسکن در تعیین بلوک های فقیر نشین با استفاده از مدل تحلیل عاملی (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)*، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۱۵۶-۱۴۱.

- روندی، مهیا؛ رهرو مهربانی، سعید. (۱۳۹۴)، ویژگی‌های مسکن در فرهنگ ایرانی-اسلامی، ۱۷ اردیبهشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت، صص ۲۴-۱.
- ضرغامی، اسماعیل؛ سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی شاخص‌های مسکن ایرانی، اسلامیا مسکن آپارتمانی امروز، فصلنامه نقش جهان، شماره ۲-۶، صص ۷۲-۶۰.
- عطاپور، آیه. (۱۳۹۴)، مسکن ایرانی-اسلامی، ۱۷ اردیبهشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت، صص ۱۳-۱.
- قدوسی‌فر، سید هادی؛ یعقوبی، نسرين. (۱۳۹۴)، واکاوی هویت اسلامی در تحلیل مسکن امروز با رویکرد پایداری اجتماعی (نمونه موردی: آپارتمان‌های مسکونی تهران)، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، ۱۷ اردیبهشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت، صص ۱۰-۱.
- قرآتی، محسن. (۱۳۹۳)، سیمای مسکن و شهر اسلامی، چاپ اول، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- کشفی، محمدحسین؛ جواهرپور، حسام؛ کشفی، محمدعلی. (۱۳۹۳)، بررسی مبانی فلسفی «سکناگزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی، با تکیه بر ارزش‌های اسلامی، فصلنامه اندیشه دینی، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص ۵۵-۸۰.
- ملایری، سپیده؛ خاقانی، سعید. (۱۳۹۴)، تأملی در نگاه اسلام به مسکن، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، ۱۷ اردیبهشت، دانشگاه پیام نور استان گیلان مرکز رشت، صص ۱۷-۱.
- مهندسین مشاور طرح و آمایش. (۱۳۸۹)، طرح جامع تجدید نظر شهر ارومیه، وزارت راه و شهرسازی.
- نتایج سرشماری آمار، نفوس و مسکن، (۱۳۹۰)، مرکز آمار ایران.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۱)، تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰، صص ۵۴-۳۸.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۲)، مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)، دوفصلنامه اندیشه معماری، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۷-۴۷.
- نقی‌زاده، محمد؛ اسدزاده بیرجندی، نسرين. (۱۳۹۲)، تدوین مبانی مسکن معاصر بر اساس جهان‌بینی اسلامی، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، ۷-۶ آذر، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، صص ۱۹-۱.
- وثیق، بهزاد؛ پشوتنی‌زاده، آزاده. (۱۳۹۰)، مفاهیم سکونت در آیات و روایات اسلامی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۲۹، صص ۶۵-۵۰.
- وثیق، بهزاد؛ پشوتنی‌زاده، آزاده؛ بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۸)، مکان و مسکن در منظر اسلام، فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۰۱-۹۳.
- Abedini, A., Khalili, A. & Asadi, N. Urban Sprawl Evaluation Using Landscape Metrics and Black-and-White Hypothesis (Case Study: Urmia City). *J Indian Soc Remote Sens* **48**, 1021–1034 (2020). <https://doi.org/10.1007/s12524-020-01132-5>
- Abedini, A., & Khalili, A. (2019). Determining the capacity infill development in growing metropolitans: A case study of Urmia city. *Journal of Urban Management*, 8(2), 316–327.
- Farajollahi Rod Amir, Ardiani Mehrab. (2020). Design A Residential Complex In The City Of Karaj With Iranian-Islamic Architectural Approach, *Specialty Journal Of Architecture And Construction* Issue 2, Volume 6. Pp 35-45.
- Zarghami E, Fatourehchi D. Architectural impacts of traditional houses as a Iranian-Islamic Cultural Identity on Iranians Mental health Outcomes. *Naqshejahan*. 2018; 7 (4): 30-46